

نقش کورکومین در محافظت از سلول‌های بیضه در مقابل TDS القا شده توسط فتالات در

موش سوری

فاطمه اصانلو ، مسعود صالحی پور* ، پروین خدارحمی

گروه زیست شناسی، دانشکده علوم زیستی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پرند، پرند، ایران

چکیده

سابقه و هدف: کورکومین ماده مؤثر و پیگمان زردرنگ در ریزوم زردچوبه است. با توجه به اثرهای مخرب فتالات ها بر سیستم تولید مثلی و بیضه‌های جنینی، بررسی نقش کورکومین بر TDS القا شده توسط فتالات در موش سوری است.

مواد و روش‌ها: ۴۰ سرموش سوری نر نژاد NMRI با وزن بین ۲۰ تا ۳۰ گرم انتخاب و به صورت تصادفی موش ها به چهار گروه کنترل، DEHP ، کورکومین و کورکومین + DEHP تقسیم شدند. نمونه‌های بافتی بیضه نیز بعد از برش ۵ میکرومتری به روش هماتوکسلین- انوزین رنگ آمیزی و بررسی شدند.

یافته‌ها: کورکومین سبب محافظت از بافت بیضه در موش‌های سوری شده هم‌چنین ضایعه‌های پاتولوژیک میکروسکوپی از جمله تخریب سلول‌های سرتولی و نکروز در سلول‌های لایدیگ که در گروه تیمار شده با DEHP یافت شد در گروه تحت تیمار با کورکومین+ DEHP بهبود یافته بود.

بحث: کورکومین با خاصیت آنتی اکسیدانی خود سبب محافظت از تأثیر رادیکال‌های آزاد ناشی از فتالات‌ها بر بافت بیضه می‌شود. هم‌چنین کورکومین سبب حفظ غلظت تستوسترون به‌عنوان هورمون تنظیم کننده تولید مثل، وزن و فرآیند رشد می‌شود.

نتیجه‌گیری: با توجه به تأثیر استرس اکسیداتیو فتالات‌ها کورکومین به عنوان یک آنتی اکسیدان توانست درصد قابل توجهی از ضایعه‌های پاتولوژیک DEHP بر روی تستوسترون و بافت را بهبود بخشد.

واژه‌های کلیدی: فتالات، کورکومین، DHEA ، تستوسترون، آنتی اکسیدان، TDS، سلول‌های سرتولی

مقدمه

عامل ضد التهابی استفاده شده است. زرد چوبه ساقه زیر زمینی گیاهی از خانواده زنجبیل می‌باشد که در لاتین به آن curcuma و Turmeric می‌گویند (۱۳). تحقیقات زیادی مبنی بر خواص آنتی اکسیدانت، اثرهای ضد موتاسیون ، ضد سرطان کورکومین گزارش شده است (۱۱). کورکومین با مهار فسفوریلاسیون فسفو لیپاز A2^۱ و کاهش بیان COX-2 و مهار فعالیت کاتابولیت COX-5 بر روی متابولیسم اسید آراشیدونیک اثر می‌گذارد (۲۴). کورکومین یا دی فرولیل متان

زردچوبه با نام علمی Curcuma longa از خانواده Zingiberaceae یکی از قدیمی‌ترین گیاهان است که از قدیم در طب سنتی کاربردهای فراوانی داشته و از آن برای تصفیه خون ، هضم غذا ، درمان آرتريت ، محافظت کبد و به‌عنوان

نویسنده مسئول:

گروه زیست شناسی، دانشکده علوم زیستی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پرند
پست الکترونیکی: m.salehypur@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۰

^۱ . PLA2

کشاورزی حاوی مقادیر جزئی از فتالات بوده و فتالات بیش تر از طریق بسته بندی یا فرآیند تولید وارد مواد غذایی می شود. تأثیر فتالات روی اولین نسل از سلول لیدیگ^۳ که باعث هیپوسپادیاس و نهان بیضگی در تولد می گردند توانستند منجر به TDS گردند (۱۴). نتایج مطالعه های نشان داده است که DEHP می تواند سبب تغییرهای در باروری، بارداری بقا قبل و بعد از تولد نوزاد شوند و یا ممکن است تعداد اسپرمها را کاهش دهند و یا سبب ناهنجاری ارگان های تولید مثلی گردند.

از دهه ۱۹۷۰ به بعد تحقیقات زیادی برای یافتن مواد و محافظت کننده هایی که بتواند از بافت های طبیعی محافظت بنماید بدون این که اثر مشابهی بر سلول های تومور داشته باشد، آغاز گردید و از آن زمان تاکنون مواد شیمیایی مختلفی معرفی شدند. این اثرهای باعث فعالیت و خاصیت ضد التهابی کورکومین می شود. اگرچه محققان به اثرهای آنتی اکسیدانی کورکومین اشاراتی داشته اند اما اثرهای آن بر هورمون های تولیدمثلی، مجرای اپیدیدیم، تعداد و تحرک پذیری اسپرمها مشخص نیست (۲۰۷). در این مطالعه نقش فتالات به عنوان یک ترکیب بالقوه در ایجاد TDS و نقش کورکومین به عنوان یک داروی محافظت کننده از سلول های بیضه موش های سوری در مقابل فتالات مورد بررسی قرار گرفت.

روش کار:

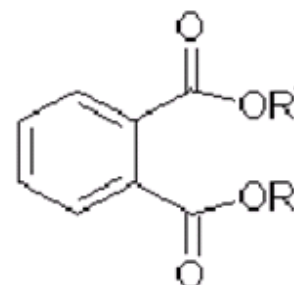
مطالعه حاضر که یک مطالعه تجربی^۴ با جامعه آماری شامل ۴۰ سر موش سوری نر نژاد NMRI با وزن بین ۲۰ تا ۴۰ گرم بود. حیوانات از حیوان خانه انیستیتو پاستور تهیه شده بودند، در حیوان خانه دانشگاه آزاد اسلامی پرند نگهداری می شدند. موش ها تحت شرایط استاندارد ۱۲ ساعت در نور و ۱۲ ساعت در تاریکی و در رطوبت طبیعی در داخل قفس هایی از جنس پلی اتیلن گلیکول نگهداری شدند. به مدت دو هفته به تمامی موش ها رژیم پرورشی بدون سبوس لوبیا داده شد. بعد از آن به صورت تصادفی به چهار گروه تقسیم شدند.

گروه اول، گروه شاهد: موش های طبیعی هستند که به روش نرمال پرورش داده می شوند.

(C₁₂H₂₀O₆) یک پلی فنول هیدروفوب مشتق شده از ریزوم گیاه زرد چوبه است. ریزوم زرد چوبه محتوی سه آنالوگ مهم است: کورکومین، دمتوکسی کورکومین و بیس دمتوکسی کورکومین که در مجموع کورکومینوئیدها نامیده می شوند. این ترکیب های در موقعیت گروه متوکسی بر روی حلقه آروماتیک با یکدیگر متفاوتند.

مطالعه های بالینی در سال های اخیر نشان داده اند که کورکومین عامل درمانی بالقوه برای بسیاری از بیماری ها است. کورکومین تأثیر قدرتمندی در جذب رادیکال های آزاد اکسیژن و افزایش غلظت گلوتامین داخل سلولی دارد و به این وسیله سبب محافظت از پراکسیداسیون لیپیدها می شود (۱۵). مطالعه های اخیر نشان داده اند آسیب اکسیداتیو ایجاد شده در بیضه های رت L-thyroxine یا سیپلاتین از طریق درمان با کورکومین بهبود نسبی پیدا کرد. افراد به طور مداوم در معرض بسیاری از مواد شیمیایی و فیزیکی هستند که ممکن است عملکرد سیستم تناسلی را در هر دو جنس مرد و زن مورد تأثیر قرار دهد. مطالعه های اخیر نشان می دهد قرارگیری در معرض فتالات های محیطی ممکن است بر لقاح مردان اثر بگذارد (۸، ۲۱).

دی ۲- اتیل هگزیل (فتالات)^۱ به طور گسترده در صنعت پلاستیک استفاده می شود و می تواند باعث القا سمیت تولید مثل شود و اولین محل تأثیر DEHP در انسان دهان و دندان است (۲۷، ۱۶). در بدن بیش تر DEHP به مونو ۲- اتیل هگزیل فتالات^۲ تبدیل می گردد، اما سمیت DEHP بالاتر است. به عنوان مثال این ترکیب می تواند تحرک اسپرم انسان را به شدت تحت تأثیر قرار دهد (۱۱).



ساختار فتالاتها $n = 4-15, R, R' = C_nH_{2n+1}$

فتالات از چندین مسیر وارد بدن می شود که یکی از مهم ترین آنها مواد غذایی آلوده است. به طور کلی تولیدات خام

³. (FETAL LEYDIG CELLS) FLCS

⁴. experimental

¹. DEHP

². MEHP

اندازه گیری غلظت دو هورمون تستوسترون و DHEA در خون :

سر سرنگ را به هپارین آغشته کرده و خون گیری به میزان ۲ سی سی انجام شد.

بعد از خون گیری از قلب موش ها، خون آن ها در میکروتیوپ تمیز جمع آوری شد. به منظور جداسازی سرم پس از چند دقیقه میکروتیوپ ها با بالانس خود در دستگاه سانتریفیوژ با سرعت ۱۵۰۰ دور در دقیقه به مدت ۱۰ دقیقه قرار داده شدند. سپس سرم ها را با سمپلر و سر سمپلر تمیز جدا کرده و در میکروتیوپ ها مشخصی با شماره گذاری معین ریخته شد. به مدت چند دقیقه خون ها در یخچال و سپس تا روز انجام آزمایش هورمونی به فریزر ۷۰- درجه سانتی گراد منتقل شد. هورمون های تستوسترون و DHEA به روش الیزا در آزمایشگاه اندازه گیری شد و مقادیر هورمونی برای هر گروه ثبت گردید.

تجزیه تحلیل آماری:

تجزیه و تحلیل داده ها در این تحقیق توسط نرم افزار SPSS (ویرایش شماره ۱۵) در دو بخش توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. پارامترهای مورد مطالعه بین گروه ها با استفاده از آزمون آماری one way ANOVA مورد مقایسه قرار گرفتند، در صورت معنی دار بودن از آزمون Tukey برای مقایسه بعدی استفاده شد. $p < 0.05$ به عنوان سطح معنی داری در نظر گرفته شد.

نتایج:

در این مطالعه ۴۰ سر موش سوری نر به ترتیب در چهار گروه ده تایی شاهد، کورکومین، فتالات و فتالات - کورکومین مورد بررسی قرار گرفتند. اطلاعات مربوط به فاصله منفذ تناسلی (AGD)، وزن موش ها، وزن بیضه راست و وزن بیضه چپ در جدول ۱ آمده است.

گروه دوم، گروه کنترل مثبت (حلال): موش هایی که مقدار ۱۵ میلی گرم کورکومین در ۵ میلی لیتر روغن ذرت به ازای هر کیلوگرم وزن بدن به روش گاواژ به آن ها خوراندند شد.

گروه سوم، گروه کنترل منفی (فتالات): گروهی از موش ها که ۵۰۰ میلی گرم به ازای هر کیلوگرم وزن بدن موش فتالات به- صورت گاواژ به آن ها خوراندند شد.

گروه چهارم گروه تجربی (کورکومین و فتالات): موش هایی که همزمان مقدار ۱۵ میلی گرم کورکومین در ۵ میلی لیتر روغن ذرت به ازای هر کیلوگرم وزن بدن و ۵ میلی گرم فتالات را از طریق گاواژ دریافت کردند.

میزان غذای مصرفی هر چهار گروه برای مدت ۲۸ روز غیر متوالی یکسان بود.

پس از ۲۸ روز وزن موش ها با ترازوی دیجیتال ساخت کشور آلمان با دقت ۰/۰۰۱ اندازه گیری شد. موش ها توسط زیلازین و کتامین کامل بی هوش شده و فاصله منفذ تناسلی با کولیس اندازه گیری شد (AGD) و خون گیری از قلب موش ها برای انجام تست های هورمونی انجام شد. سپس اندام های تولید مثلی (بیضه) از بدن آن ها جهت بررسی بافتی مورفولوژیک و هیستولوژیک خارج گردید. بیضه ها پس از خارج شدن از بدن با سرم فیزیولوژی شستشو داده شدند. وزن بیضه ها توسط ترازوی دیجیتال، دقت ۰/۰۱ میلی گرم اندازه گیری شد. پس از آن جهت انجام مراحل بعدی به آزمایشگاه بافت شناسی منتقل شدند.

مطالعه بافتی:

بیضه ها به منظور انجام بررسی های بافتی در محلول بوئن فیکس و سپس تحت پردازش بافت و قالب گیری پارافین قرار گرفت. در مرحله برش گیری برش ها به ضخامت ۵ میکرومتر تهیه و به صورت نوارهای ۴ عددی به صورت سریالی روی لام منتقل شدند. در آخر لام های تهیه شده با استفاده از روش هماتوکسیلین - ائوزین رنگ آمیزی شدند. با استفاده از میکروسکوپ نوری با بزرگنمایی ۴۰ و ۱۰۰ میزان آسیب های بافتی شامل شبکه بیضه، سلول های لیدیک، سلول های سرتولی و میزان التهاب و وجود سلول های التهابی به صورت کیفی بررسی شد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای اندازه گیری شده در گروه های مورد مطالعه

متغیر	کنترل	کورکومین	فتالات	فتالات- کورکومین
فاصله منفذ تناسلی (AGD)(میلی متر)	۱/۶۵±۰/۲۵۹	۱/۶۴±۰/۲۷۵	۱/۵۳±۰/۷۵۱	۱/۶۴±۰/۲۰۱
وزن بدن موش ها(گرم)	۴۰/۳۹±۴/۴۱	۴۱/۵۳±۳/۰۹	۳۵/۷۰±۱/۴۵	۴۰/۶۸±۴/۴۱
وزن بیضه راست(میلی گرم)	۹۶/۳۰±۴/۱۶	۹۸/۵۰±۲/۱۷	۹۱/۴۰±۳/۸۶	۹۹/۱۰±۲/۶۰
وزن بیضه چپ(میلی گرم)	۹۵/۹۰±۴/۳۸	۹۷/۹۵±۱/۸۰	۹۰/۷۰±۳/۵۶	۹۸/۸۰±۲/۵۷
میزان هورمون تستوسترون	۰/۳۲±۰/۱۰	۰/۵۸±۰/۳۶	۰/۱۷±۰/۱۱	۰/۳۲±۰/۱۳
میزان هورمون دئیدرواپی اندرسترون(DHEA)	۲/۴۲±۰/۱۷	۲/۳۵±۰/۱۰	۲/۴۴±۰/۰۷	۲/۳۹±۰/۱۴

(p=۰/۰۰۰)، فتالات با فتالات - کورکومین (p=۰/۰۰۰) اختلاف معنی دار داشت. متغیر وزن بیضه چپ در گروه های کنترل و فتالات دارای اختلاف معنی دار بودند (p=۰/۰۰۵). هم چنین مقایسه وزن بیضه راست در بین گروه های کورکومین با فتالات (p=۰/۰۰۰)، فتالات با فتالات - کورکومین (p=۰/۰۰۰) اختلاف معنی دار داشت.

میزان هورمون تستوسترون با روش کراسکال والیس در بین گروه های تحت مطالعه تحلیل شد که نتایج نشان داد گروه های تحت تیمار با گروه کنترل دارای اختلاف معنی داری بودند به طوری که میانگین رتبه تستوسترون در گروه تحت تیمار با فتالات ۱۰/۱۵ بود در حالی که در گروه کنترل ۲۱/۶۰ بود (جدول شماره ۳). (P=۰/۰۰۲)

نتایج تحلیل ها با روش One way Anova نشان داد درمان با کورکومین در گروه تحت تیمار با فتالات تفاوت معنی داری با گروه کنترل در متغیرهای وزن بدن، وزن بیضه راست، وزن بیضه چپ دارند و (p=۰/۰۰۰ همگی) اما در متغیرهای AGD و میزان هورمون دئیدرو اپی اندرسترون تفاوت معنادار مشاهده نشد (جدول شماره ۳).

اما برای این که مشخص شود ارتباط معنی دار در این متغیرها به طور دقیق بین کدام گروه ها اتفاق افتاده است از آزمون تعقیبی Tukey استفاده گردید که نتایج نشان متغیر وزن بدن در گروه های کنترل و فتالات دارای اختلاف معنی دار بودند (p=۰/۰۰۶). هم چنین مقایسه وزن بدن در بین گروه های کورکومین با فتالات (p=۰/۰۰۱)، فتالات با فتالات - کورکومین (p=۰/۰۰۴) اختلاف معنی دار داشت.

متغیر وزن بیضه راست در گروه های کنترل و فتالات دارای اختلاف معنی دار بودند (p=۰/۰۱۱). هم چنین مقایسه وزن بیضه راست در بین گروه های کورکومین با فتالات

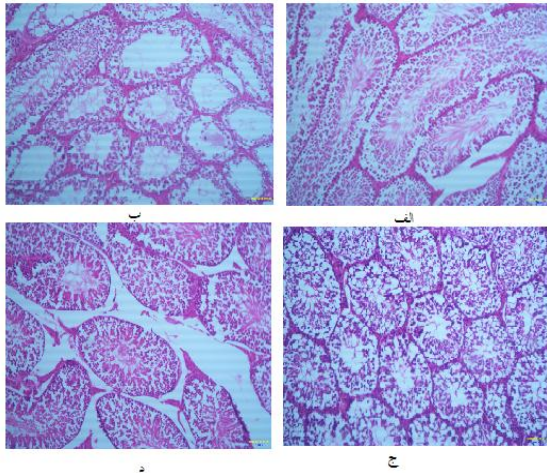
جدول ۲. مقایسه گروه شاهد با گروه های مورد مطالعه تحت تیمار با DEHP, Curcumin و Curcumin DEHP+ با روش One way Anova

متغیر	گروه ها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	معنی داری
وزن بدن	بین گروه ها	۲۰۷/۰۷	۳	۶۹/۰۲	۷/۷۴
	درون گروه ها	۳۲۰/۹۳	۳۶	۸/۹۱		
	مجموع	۵۲۸/۰۰	۳۹	-		
AGD	بین گروه ها	۰/۰۸۷	۳	۰/۰۲۹	۰/۱۵۵	۰/۹۲۶
	درون گروه ها	۶/۷۳	۳۶	۰/۱۸۷		
	مجموع	۶/۸۱	۳۹	-		
بیضه راست موش	بین گروه ها	۳۶۶/۸۷	۳	۱۲۲/۲۹	۱۱/۱۷
	درون گروه ها	۳۹۳/۹۰	۳۶	۱۰/۹۴		
	مجموع	۷۶۰/۷۷	۳۹	-		
بیضه چپ موش	بین گروه ها	۳۹۶/۳۶	۳	۱۳۲/۱۲	۱۲/۶۵
	درون گروه ها	۳۷۵/۸۲	۳۶	۱۰/۹۴		
	مجموع	۷۷۲/۱۹	۳۹	-		
دئیدرواپی اندرسترون	بین گروه ها	۰/۰۴۸	۳	۰/۰۱۶	۰/۹۷	۰/۴۱
	درون گروه ها	۰/۵۹	۳۶	۰/۰۱۶		
	مجموع	۰/۶۴	۳۹	-		

جدول ۳. مقایسه میزان تستوسترون در گروه شاهد با گروه های مورد مطالعه تحت تیمار با DEHP, Curcumin و Curcumin +DEHP

متغیر	گروه	میانگین رتبه	میانگین رتبه	معنی داری
تستوسترون	کنترل	۲۱/۶۰		
	کورکومین	۳۰/۰۰	۳	۰/۰۰۲
	فتالات	۱۰/۱۵		
	فتالات- کورکومین	۲۰/۲۵		

شد، هم چنین مشاهده شد اسپرماتوزوئیدها در لوله های سرتولی حضور دارند، سلول های اسپرماتوگونی و سلول های سرتولی در داخل سلول های سمینifer دیده می شوند، بافت بینابینی بیضه طبیعی است، سلول های لایدیگ مشخص هستند، پرخونی دیده نمی شود، اینفیلتراسیون سلول های آماسی دیده نمی شود، نکرور بافتی بسیار محدود در بعضی از سلول های اسپرماتوگونی و سلول های پارانشیمال دیده می شود، تجمع اسپرماتوزوئیدها با تراکم بالا در شبکه بیضه مشهود است، هیچ گونه تغییر متاپلاستیک و فیبروز بافتی قابل رویت نیست (شکل ۱-د).



شکل ۱- مورفولوژی بافت های بیضه موش سوری با بزرگ نمایی

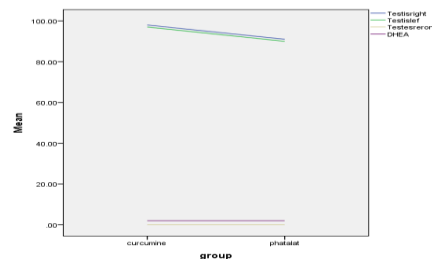
میکروسکوپی ۴۰× در در گروه های کنترل (الف) تیمار شده با DEHP (ب). تیمار شده با کورکومین (ج) و تیمار شده با DEHP+کورکومین (د).

بحث:

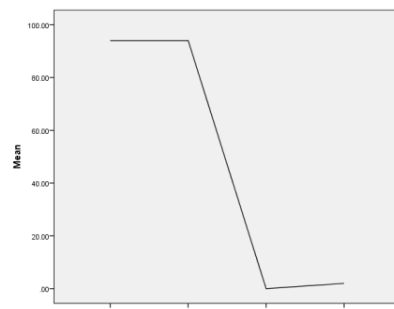
نتایج مطالعه حاضر نشان داد کورکومین تأثیر محافظتی بر سیستم تولید مثلی موش صحرائی دارد. وزن بیضه های راست و چپ، میزان هورمون تستوسترون و DHEA هم چنین وزن بدن موش های تیمار شده با کورکومین در مقایسه با گروه فتالات دارای اختلاف معنادار بود. علاوه بر این گروه تیمار شده با DEHP اختلاف معناداری در متغیرهای وزن بدن، وزن بیضه راست و چپ، میزان هورمون تستوسترون در مقایسه با گروه کنترل داشتند.

در بسیاری از مطالعه های صورت گرفته خاصیت آنتی-اکسیدانتی کورکومین و محافظت از سیستم تولید مثل جنس نر در برابر آلاینده های زیست محیطی و القا کننده های استرس اکسیداتیو از جمله کادمیوم، اکریل آمید، گزارش شده است

بررسی های میکروسکوپی و مطالعه های بافتی نشان داد تیمار بیست و هشت روزه موش های سوری با مقدار mg/kg/day DEHP ۵۰۰ سبب نکرور وسیع در پارانشیم بیضه، کارولیز شدید در سلول های پارانشیمال، نکرور شدید به همراه ظاهر شیشه ای، هسته بسیاری از سلول ها دچار پیکنوزیا کاربوریسیس شده بود، تخریب وسیع الطیف پارانشیم بافتی در سمینفرورم توبول ها، تخریب در سلول های سرتولی، از هم-گسیختگی ارتباطات سلولی و تخریب سازمان بافتی، عدم حضور سلول های التهابی، آسیب در سلول های شبکه بیضه و هم چنین در اپیدیم مشهود بود، هیچ گونه تغییر متاپلاستیک در سلول های سمینifer دیده نشد، از پروسه التهابی عامل پرخونی مشهود بود، نکرور در سلول های لایدیگ و بافت سلول-های بینابینی بیضه نیز مشهود بود (شکل ۱-ب).



نمودار ۱ - وضعیت متغیرها در گروه ها



نمودار ۲ - منحنی رگرسیون متغیرهای مورد بررسی

اما تأثیر هم زمان کورکومین و DEHP بر سیستم تولید مثلی موش سوری سبب حفظ پارانشیم بافتی بجز نواحی آرتیفکت

وابسته به دوز سبب بازسازی ساختار سلولی و عملکرد سلول- های زیای اسپرم شود (۱۸).

مطالعه‌های مختلف اثر سوء فتالات‌ها و مشتقات آن را بر سیستم‌های تولید مثل، لوزالمعده، پانکراس و سیستم هماتولوژیک تایید کرده‌اند (۵،۱۵). هم‌چنین مفهوم TDS براساس کاهش چشم‌گیر تولید تستوسترون به‌وسیله بیضه‌های جنینی در تعداد زیادی از مطالعه‌های با استفاده از فتالات در محیط آزمایشگاه بر روی رت‌ها انجام شده است (۲۲).

DEHP در بین فتالات‌ها بیش‌ترین کاربرد را دارد از آنجا که منبع اصلی آلودگی انسان به DEHP از طریق خوراکی است.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد DEHP سبب کاهش وزن بدن و بیضه و میزان هورمون تستوسترون و DHEA در موش‌های سوری شد. در مطالعه پارک^۳ و همکاران در سال ۲۰۰۲ تیمار دو هفته‌ای موش‌های صحرایی با DEHP به‌صورت روزانه و به- مدت ۲ هفته به مقدار ۲ g/kg منجر به کاهش وزن بدن، تغییر میزان تستوسترون و در نهایت آسیب به بافت بیضه شد (۲۰). در مطالعه دیگری که توسط کانگ و همکاران انجام شد نیز کاهش وزن بدن و بیضه و هم‌چنین تعداد سلول‌های اسپرماتوژنیک در لوله منی‌ساز به دنبال مواجهه با DHEP مشاهده شد (۱۷). در مطالعه‌های پیشین نیز ذکر شده است که وجود رادیکال‌های آزاد اکسیژن سبب تخریب بافت‌های بدن می‌گردد (۱۰، ۱۷). با توجه به اثر اکسیداسیون فتالات‌ها بر اسیدهای چرب غشایی به‌نظر می‌رسد تولید این رادیکال‌های آزاد سبب تخریب و تجمع سلول‌های لایدیگ، و هم‌چنین باعث افزایش آسیب‌های اکسیداتیو شده و در نتیجه باعث نکروز بافت‌های بدن به‌ویژه بافت‌های تولید مثلی می‌شود. تستوسترون یک اثر مستقیم در آنابولیسم پروتئین‌ها در همه اندام‌ها و بافت‌های بدن دارد و باعث افزایش توده ماهیچه و استخوان در جنس نر می‌گردد (۱۰). بنابراین با توجه به کاهش تستوسترون در گروه تیمار شده با DEHP، به‌نظر می‌رسد کاهش ساخت پروتئین‌های بدن منجر به کاهش حجم و وزن بدن موش‌های سوری شده باشد.

نتایج:

نتایج این مطالعه گواه این بود که کورکومین به‌عنوان یک آنتی اکسیدان قادر است تأثیر استرس اکسیداتیو فتالات‌ها بر سلول-

(۱۵). بنابراین کورکومین ممکن است به عنوان یک آنتی اکسیدانت قوی در جلوگیری از ناهنجاری‌های عمده ناشی از استرس اکسیداتیو فتالات در بیضه و اسپرم مفید و مؤثر واقع گردد.

از آنجایی که فرآیند اسپرماتوژنز یک فعالیت بسیار فعال است که تخمین می‌زنند در هر ثانیه ۱۰۰۰ اسپرم تولید می‌کند، میزان بالایی از تقسیم سلول در این فرآیند دلالت بر میزان بالای مصرف اکسیژن میتوکندریایی به‌وسیله اپی تلیوم ژرمینال دارد. هر چند، رگزایی ضعیف بیضه‌ها به معنای این است که فشار اکسیژن در این بافت پایین است (۱۶). با این‌که فشار اکسیژن ریز محیط بیضه‌ای را تعیین می‌کند، این بافت به استرس اکسیداتیو ناشی از وفور اسیدهای چرب غیراشباع و حضور گونه‌های اکسیژنی آسیب‌پذیر می‌ماند (۱۹).

کورکومین یک اثر محافظت‌کننده بر بیضه‌ها دارد به گونه‌ای که سبب توقف آسیب‌های هیستوپاتولوژیک آن‌چه که در گروه تیمار شده با DEHP مشاهده شد. علاوه‌بر این با توجه به حضور اسپرماتوزوئیدها به تعداد فراوان در شبکه بیضه، فعالیت سلول‌های لوله اسپرم‌ساز و تکثیر سلول‌های اسپرماتوگونی به- جز ضایعه‌های نکروتید محدود، طبیعی به نظر می‌رسد.

سلول سرتولی و قطر لوله منی‌ساز از پارامترهای حساس به مواد سمی به شمار می‌رود. سلول سرتولی در روند اسپرماتوژنیز نقش اصلی را به عهده دارد به‌طوری‌که تمایز سلول‌های زایا، میوز و تغییر شکل آن‌ها به اسپرم بالغ با عملکرد سلول سرتولی ارتباط مستقیم دارد. اختلال در ساختار و عملکرد سلول‌های سرتولی، کاهش تعداد سلول‌های سرتولی، اسپرماتوسیت‌ها و اسپرماتیدها به دنبال مسمومیت با DEHP گزارش شده است (۱۸). به نظر می‌رسد ایجاد مسمومیت در سلول سرتولی با واکوئوله شدن سیتوپلاسم سلول سرتولی، مرگ سلول‌های زایا، مهار اسپرم‌سازی و در نهایت ناباروری در جنس مذکر ارتباط دارد. بایراک^۱ شان و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیقی نشان دادند که از کورکومین می‌توان به‌عنوان یک ماده آنتی اکسیدانی قوی در برابر استرس‌های اکسیداتیوی و اثرهای ناشی از آن استفاده کرد (۶). هم‌چنین کاتارزینا^۲ و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه خود نشان دادند کورکومین در یک روش

های جنینی مهار کند به طوری که درصد قابل توجهی از ضایعه- های پاتولوژیک ناشی از DEHP را بهبود بخشد. بنابراین پیشنهاد می شود این ماده به عنوان یک دارو یا مکمل غذایی در درمان و پیشگیری علیه بسیاری اکسیدانت ها از جمله DEHP به خصوص در مادران باردار برای حفظ جنین پسر به کار رود.

سپاسگزاری:

از زحمات جناب آقای دکتر صالحی پور، سرکار خانم دکتر خدارحمی، جناب آقای دکتر ناصح و جناب آقای دکتر اسماعیل پور تشکر می کنم.

منابع :

1. Afrah F Salama and S.M. El-Bahr, Effect of Curcumin on Cadmium-Induced Oxidative Testicular Damage in Rats, *Journal of Medical Research Institute JMRI*, (2007); Vol. 28 No.2: 167-73.
2. Aggarwal BB, Harikumar KB. Potential therapeutic effects of curcumin, the anti-inflammatory agent, against neurodegenerative, cardiovascular, pulmonary, metabolic, autoimmune and neoplastic diseases. *Int J Biochem Cell Biol*; .(2009). 41(1): 40-59.
3. Anand P, Kunnumakkara AB, Newman RA, Aggarwal BB. Bioavailability of curcumin: problems and promises. *Mol Pharm*; .(2007). 4(6): 807-18.
4. Bae MK, Kim SH, Jeong JW, Lee YM, Kim HS, Kim SR, et al. Curcumin inhibits hypoxia-induced angiogenesis via down-regulation of HIF-1. *Oncol Rep*; .(2006). 15(6): 1557-62.
5. Beydon D, Payan JP, Grandclaude MC. Comparison of percutaneous absorption and metabolism of di-n-butylphthalate in various species. *Toxicology in vitro : an international journal published in association with BIBRA* .(2010). 24:71-78.
6. Jennifer C.Y. Hsieh, Ph.D. EVIDENCE ON THE CARCINOGENICITY OF BUTYL BENZYL PHTHALATE, Reproductive and Cancer Hazard Assessment Branch Office of Environmental Health Hazard Assessment California Environmental Protection Agency.(2013). Meeting of the Carcinogen Identification Committee.
7. Chen Ch, Chan W.H. Injurious Effects of Curcumin on Maturation of Mouse Oocytes, Fertilization and Fetal Development via Apoptosis, *International Journal of Molecular Sciences*,(2012).13.4655-4672.
8. Swan SH, Main KM, Liu F, Stewart SL, Kruse RL, Calafat AM, Mao CS, Redmon JB, Ternand CL, Sullivan S, Teague JL. Study for Future Families Research T. Decrease in anogenital distance among male infants with prenatal phthalate exposure. *Environmental health perspectives*; (2005). 113(8): 1056-1061.
9. Fisher JS1, Macpherson S, Marchetti N, Sharpe RM. Human testicular dysgenesis syndrome: a possible model using in utero exposure of the rat to dibutyl phthalate, *Human reproduction*, (2003).18(7),1383-1394.
10. Ganong WF. Review of medical physiology. (2001). 20th edition. Philadelphia: McGraw-Hill; p.383-438.
11. Gaspar FW, Castorina R, Maddalena RL, Nishioka MG, McKone TE, Bradman A. Phthalate exposure and risk assessment in California child care facilities. *Environ Sci Technol*, (2014). 48:7593-7601.
12. Guo Y, Kannan K. Comparative assessment of human exposure to phthalate esters from house dust in China and the United States. *Environ Sci Technol*. (2011). 45:3788-3794.
13. Hu GX, Lian QQ, Ge RS, Hardy DO, Li XK. Phthalate-induced testicular dysgenesis syndrome: leydig cell influence, *Trends Endocrinol Metab*.(2009).20(3),139-145.
14. Irving GR, Karmokar A, Berry DP, Brown K, Steward WP. Curcumin: The potential for efficacy in gastrointestinal Diseases, *Best Practice & Research Clinical Gastroenterology* 25, (2011). ۵۳۴-۵۱۹
15. Ishihara M, Itoh M, Miyamoto K, Suna S, Takeuchi Y, Taenaka I, et al. Spermatogenic disturbance induced by di (2-ethylhexyl) phthalate is significantly prevented by treatment with antioxidant vitamins in the rat. *Int J Androl*; .(2000). 23(2): 85-94.
16. Bayrak O, Uz E, Bayrak R, Turgut F, Atmaca AF, Sahin S, et al. Curcumin protects against ischemia/reperfusion injury in rat kidneys. *World J Uro*.(2008),91-26:285
17. Santosh K. Sandur, Haruyo Ichikawa, Manoj K. Pandey, Ajaikumar B. Kunnumakkara, Bokyung Sung, Gautam Sethi, Bharat B. Aggarwal Role of pro-oxidants and antioxidants in the anti-inflammatory and apoptotic effects of curcumin (diferuloylmethane) *Free Radical Biology and Medicine*; . (2007). 43 (4): 568 – 80.
18. Katarzyna G, Agnieszka B, Marta S, Mart K, Starowicz G, Styrna J. Curcumin influences semen quality parameters and reverses the di(2-ethylhexyl)phthalate (DEHP)-induced testicular damage in mice. *Pharmacological Reports*. (2014). 66,782–787.
19. Mahood IK, et al. Abnormal Leydig Cell aggregation in the fetal testis of rats exposed to di (n-butyl) phthalate and its possible role in testicular dysgenesis. (2005). *Endocrinology*;146:613–623.
20. Park JD, Habeebu SS, and Klaassen CD. Testicular toxicity of di (2-ethylhexyl) phthalate in young Sprague-Dawley rats. *Toxicology*.(۲۰۰۲).۱۱۵-۱۰۵ :۱۷۱ .
- 21- Richard M. Sharpe. Toxicological highlight additional effect of phthalate mixtures on fetal testosterone production, *Toxicological sciences*, (2008).105,(1),1-4.
22. Kang KS, Che JH, Ryu DY, Kim TW, Li GX, Lee YS. Decreased sperm number and motile activity on the F1 offspring maternally exposed to butyl p-hydroxybenzoic acid (butyl paraben). (2002). *J Vet Med Sci*; 64(3): 227-235.
23. Sharpe RM. Pathways of endocrine disruption during male sexual differentiation and masculinization. *Best Pract Res Clin Endocrinol Metab*; .(2006). 20(1):91–110.

24. Sharpe RM, Skakkebaek NE., Testicular dysgenesis syndrome: mechanistic insights and potential new downstream effects, *Fertility and sterility*, (2007). 89, e33-e37.
 25. Schripp T., Salthammer T, Fauck C., Bekö G., Weschler C. J. Latex paint as a delivery vehicle for diethylphthalate and di-n-butylphthalate: predictable boundary layer concentrations and emission rates. . (2014). *Sci Total Environ*, 494-495: 299-305.
 26. Svensson K, Hernandez-Ramirez RU, Burguete-Garcia A, Cebrian ME, Calafat AM, Needham LL, et al. Phthalate exposure associated with self-reported 27- Desvergne B , Jérôme N. Feige, Cristina C. PPAR-mediated activity of phthalates: A link to the obesity epidemic?, *Molecular and Cellular Endocrinology*, 304. (2009) .43-48.
- diabetes among Mexican women. *Environ Res.* .(2011). 111:792-796.

